

واکاوی «فتشقی»

بر اساس آیات سوره مبارکه طه و فقراتی از باب سوم سفر پیدایش

کلیه عبدالله فضلیان / دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم

Arani@Qabas.net

جواد باغبانی آرانی / استادیار موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۰۴ - پذیرش: ۱۳۹۷/۰۱/۱۵

چکیده

رنج و مشقت از پیامدهای ناگوار عصیان حضرت آدم است که در قرآن کریم، با عبارت «فتشقی» و در تورات عربی «التعب» و در تورات انگلیسی «sorrow» و در برخی از ترجمه‌ها از آن، به «toil» یاد می‌کنند که وجه مشترک همه موارد، رنج و مشقت و سختی است. این پیامد در آیات ۱۱۷، ۱۱۸ و ۱۱۹ سوره «طه» و در فقرات ۱۷، ۱۸ و ۱۹ باب سوم «سفر پیدایش» آمده و در آنها وجه مشترک و متفاوتی وجود دارد. این مقاله، در دو بخش قرآن کریم و تورات به مفهوم شناسی، تفسیر رنج و مشقت، مخاطب رنج و مشقت و رابطه میان آن و خوردن از درخت ممنوعه، با استناد به منابع معتبر خواهد پرداخت. اشتراکات و اختلافات و امتیازات آنها را بیان خواهد کرد. نتیجه برآمده از این پژوهش، گویای این است که تعبیر به‌کاررفته در قرآن کریم، بسیار زیبا و دقیق و برای رساندن پیامی است؛ به‌ویژه اینکه عبارت «فتشقی»، همراه با توضیحات پیرامون آن تفسیرکننده «فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ» هست که یکی از مباحث عمیق در عصمت انبیاء است. همچنین اشتراکات دو کتاب، توجیه‌کننده تصدیق تورات توسط قرآن است.

کلیدواژه‌ها: تشقی، التعب، رنج و مشقت، قرآن کریم، تورات، سوره طه، سفر پیدایش.

داستان عصیان حضرت آدم علیه السلام، یکی از داستان‌هایی است که در قرآن کریم و تورات به آن پرداخته شده است. عصیان حضرت آدم علیه السلام دارای پیامدهایی بود که یکی از آن موارد، رنج و مشقت است. این پیامد در سوره مبارکه «طه» چنین طرح شده است:

فَقَلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَ لَزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى. إِنَّ لَكَ أَلًا تَجُوعَ فِيهَا وَ لَا تَعْرِى. وَ أَنْكَ لَا تَعْلَمُونَ فِيهَا وَ لَا تَضْحَكُ (طه: ۱۱۷-۱۱۹)؛ گفتیم: ای آدم! این (ابلیس) دشمن تو و دشمن همسر توست، مبادا شما را از بهشت بیرون براند که در سختی افتی. بی گمان برای تو (مقرر) است که در آنجا گرسنه نشوی و برهنه نمایی. و اینکه در آنجا تشنه نشوی و آفتاب‌زده نگردی.

همچنین در فقرات ۱۷، ۱۸ و ۱۹ باب سوم «سفر پیدایش»، به آن چنین اشاره شده است:

و به آدم گفت: چونکه سخن زوجهات را شنیدی و از آن درخت خوردی که امر فرموده، گفتم از آن نخوری، پس به سبب تو زمین ملعون شد و تمام ایام عمرت از آن با رنج خواهی خورد. خار و خس نیز برایت خواهد رویانید و سبزه‌های صحرا را خواهی خورد و به عرق پیشانی‌ات نان خواهی خورد تا حینی که به خاک راجع گردی، که از آن گرفته شدی؛ زیرا که تو خاک هستی و به خاک خواهی برگشت (پیدایش ۳: ۱۷-۱۹).

پرسش برتری قرآن یا تورات در داستان‌های مشترک، همواره از دغدغه‌های ذهنی علمای هر دو منبع بوده است. ما در این پژوهش، با بیان آراء مطرح‌شده در قرآن و تورات و تفاسیر، درصدد اثبات این برتری هستیم.

قرآن کریم

واژه «فتشقی» در داستان عصیان حضرت آدم علیه السلام در سوره مبارکه «طه» آیات ۲، ۱۱۷ و ۱۳۲ به کار رفته است: ما أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى (۲)؛ فَقَلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَ لَزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى (۱۱۷)؛ قَالَ أَهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فِيمَا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَ لَا يَشْقَى (۱۳۲).

از این رو، برای فهم درست مفهوم «فتشقی»، لازم است این واژه را در آیات دیگر هم مورد بررسی قرار دهیم.

مفهوم‌شناسی «تشقی»

«تشقی»، از «شقوق» به معنای شقاوت در مقابل سعادت است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۵۱). برخی هم، تشقی را از شقی می‌دانند که در اصل تشقی به یاء بوده که به خاطر فتحه ما قبلش، قلب به الف شده است (صافی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۶، ص ۳۴۶).

«تشقی» هم در معنای دنیوی به کار رفته و هم به معنای اخروی آن و مراد از «یشقی»، در جمله «و لا یشقی» به معنای شقاوت اخروی و در «فَتَشْقَى»، به معنای شقاوت و مشقت دنیوی هست؛ یعنی ناظر به امور دنیوی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۶۰).

همان‌طور که راغب اصفهانی گفته، «الشقاء» هم به معنای شقاوت در مقابل سعادت است و هم به معنای رنج و مشقت و تعب می‌آید (همان، ص ۴۶۰). همان‌گونه که تشقی، در آیه ۲ سوره «طه» در مورد رسول خدا صلی الله علیه و آله

هم به معنای رنج و مشقت است و کسی آن را به معنای شقاوت در مقابل سعادت نگرفته است. از این رو، هر شقاوتی رنج و تعب و مشقت است، ولی هر رنج و تعبی شقاوت نیست. پس رنج و تعب، اعم از شقاوت است (همان، ص ۴۶۱).

دلیل خطاب مفرد در فتشقی

«فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَ لِرِزْوَجِكَ فَالَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى» (طه: ۱۱۷).

خداوند در آیه فوق، برخلاف رویه‌ای که در ابتدای آیه داشته، در انتهای آیه در جمله «فتشقی»، خطاب را از تنبیه به مفرد برمی‌گرداند. از این رو، در اینکه چرا در «فتشقی» برخلاف «فَالَا يُخْرِجَنَّكُمَا» خطاب تنبیه نیامده است. مفسران در این زمینه، نظراتی را مطرح کرده‌اند:

از نظر برخی مفسران، دلیل برگشت به خطاب مفرد (حضرت آدم علیه السلام)، به این دلیل است که سنگینی اداره زندگی بر عهده آدم علیه السلام و نفعه بر عهده مرد است (طنطاوی، بی‌تا، ج ۹، ص ۱۶۰؛ سوراآبادی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۱۵۳۹؛ نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۵۷۷). برخی هم می‌گویند: حوا هم داخل در این خطاب، به صورت غیرمستقیم است؛ زیرا زن در سعادت و شقاوت همسرش سهیم است (طنطاوی، بی‌تا، ج ۹، ص ۱۶۰). برخی دیگر می‌گویند: مراد رنج و مشقت بدنی است که فقط بر آدم علیه السلام به عنوان مرد وارد می‌شود (قرطبی، ۱۳۶۰، ج ۱۱، ص ۲۵۳).

با توجه به توصیفی که خداوند از بهشت (محل زندگی اولیه آدم و حوا) دارد، این نکته به دست می‌آید که از این به بعد، بعد از خروج و هبوط، حوا هم مانند آدم علیه السلام از این نعمت‌ها بهره‌ای نخواهد داشت. پس رنج و مشقت، که توضیح آن گرما و سرما و گرسنگی و تشنگی است، برای حوا نیز خواهد بود. از این رو، حوا هم داخل در خطاب «فتشقی» می‌شود. اگرچه رنج و مشقت بیشتر برای آدم علیه السلام است که به خاطر همین مسئله، خطاب از تنبیه به مفرد برگشته است، تا علاوه بر بیان مطلب فوق این نکته را افاده کند که نفعه بر عهده جنس مذکر خواهد بود.

مراد از فتشقی

همان‌طور که بیان شد، «تشقی» دو معنا دارد: یکی، شقاوت در مقابل سعادت. دیگری، رنج و تعب و مشقت است. از این رو، مفسران «فتشقی» در آیه ۱۱۷ را به معنای دوم گرفتند. سیوطی، در این زمینه می‌نویسد: «تعب بالحرق و الزرع و الحصد و الطحن و الخبز و غیر ذلک و اقتصر علی شقائه لأن الرجل یسعی علی زوجته» (سیوطی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۲۳).

«تشقی» در آیه ۱۱۷ سوره «طه»، اشاره به یکی از پیامدهایی دارد که حضرت آدم و حوا، بعد از عصیان دچار آن شدند. اما برای اینکه به معنای درست این واژه «فتشقی» دست یابیم، لازم است کیفیت زندگی آنان، قبل از عصیان و هبوط به زمین، که در آیات بعد مورد اشاره قرار می‌گیرد، بیان شود.

زندگی آدم و حوا قبل از عصیان و هبوط در سوره مبارکه «طه» آیات ۱۱۷، ۱۱۸ و ۱۱۹، این‌گونه ترسیم شده است:

فَقَلْنَا يَادَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَ لِرِزْقِكَ فَلَا يَخْرُجُكَمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى. إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَ لَا تَعْرَى. وَ أَنْكَ لَا تَطْمَؤُا فِيهَا وَ لَا تَضْحَى؛ گفتیم: ای آدم! این (ابلیس) دشمن تو و دشمن همسر توست، مبادا شما را از بهشت بیرون براند که در سختی افتی. بی گمان برای تو (مقرر) است که در آنجا گرسنه نشوی و برهنه نمایی و اینکه در آنجا تشنه نشوی و آفتاب زده نگردی.

با توجه به کیفیت زندگی آدم و حوا در بهشت، کیفیت زندگی آنان در زمین مشخص می شود؛ به ویژه اینکه خداوند با جمله «فَتَشْقَى» زندگی سخت و پرمشقت را بعد از عصیان گوشزد می نماید. جمله «فتشقی» تفریع بر خارج شدن آنان از بهشت است، و مراد از آن، تعب و رنج است؛ یعنی اگر از بهشت اخراج شوی، خود را دچار تعب و رنج و مشقت خواهی کرد؛ چون زندگی در غیر بهشت، که همان زمین خواهد بود، زندگی آمیخته با رنج و تعب است؛ چون در آنجا احتیاجات فراوان است. برای رفع آن، فعالیت بسیار لازم است. در آنجا احتیاج به طعام، نوشیدنی، لباس و مسکن و غیر آن هست (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۲۲۰). همان گونه که خداوند در ادامه، به توضیح جمله «فتشقی» می پردازد: «إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَ لَا تَعْرَى. وَ أَنْكَ لَا تَطْمَؤُا فِيهَا وَ لَا تَضْحَى»؛ یعنی زندگانی همراه با گرسنگی، برهنگی، تشنگی و آفتاب زدگی، که لازمه رفع هریک از این موارد، رنج و مشقت است.

پس با توجه به آنچه گذشت، زندگی با تعب و رنج و مشقت، لازمه هبوط و حیات در زمین است. ولی قرآن کریم در آیات دیگر، پس از امر به هبوط، زمین را محل استقرار و آرامش و متاع الی حین معرفی می کند که پس از بیان رنج و مشقت، یک نگاه مثبت است. این بیان موجب حفظ تعادل در نوع نگاه به دنیا خواهد بود: «لَهُبُطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَ مَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ» (بقره: ۳۶؛ اعراف: ۲۴)، به ویژه اینکه در آیه ۱۲۳ سوره مبارکه «طه»، راه و روش از بین بردن شقاء، رنج و مشقت را بیان می کند: «فَأَمَّا يَا تَبِئْتُمْ مَنِّي هَدَىٰ فَمَن تَتَّبِعْ هَذَايَ فَلَا يَضِلُّ وَ لَا يَشْقَى».

فأه فرع بر هبوط است و نفی اضلال و شقاء، شامل دنیا و آخرت با هم می شود (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۲۲۴؛ ططاوی، بی تا، ج ۹، ص ۱۶۳).

رابطه بین فتشقی و فتکونا من الظالمین، در داستان عصیان آدم

یکی از پیامدهای عصیان حضرت آدم علیه السلام «ظلم» است که در دو آیه از آیات مربوط به آن اشاره شده است: در آیه ۳۵ سوره مبارکه «بقره» می فرماید: «وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ» و دیگری، در آیه ۲۳ سوره مبارکه «اعراف» می فرماید: «فَقَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ».

در آیه اول، خداوند ظلم را به آدم و حوا نسبت می دهد که بر اثر نزدیک شدن به آن درخت، از ظالمین به شمار آمدند. در آیه دوم، با پذیرش خطای خود، این آدم و حوا هستند که ظلم را به خودشان نسبت می دهند: «فَقَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا».

ظلم دو دسته است: اول، ظلم به خداوند دوم، ظلم به نفس (مصطفوی، ۱۳۴۰، ج ۷، ص ۱۷۱). اما در اینکه مرا از «ظلم» در آیه شریفه چیست؟ بهترین روش برای درک و فهم بهتر آن، مراجعه به آیات قرآن کریم است. خداوند در آیه ۳۵ بقره

می‌فرماید: اگر شما به این درخت نزدیک شوید: «فَتَكُونُوا مِنَ الظَّالِمِينَ»؛ شما از ظالمین خواهید بود. ولی در آیه دیگر، ظالمین را قید می‌زند: «ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا». همچنین در سوره مبارکه «طه» می‌فرماید: «فَقَلْنَا يَا دَاؤِدُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَ لِرِؤُجِكَ فَلَا يَخْرُجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى، إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَ لَا تَعْرَى، وَ أَنْتَ لَا تَطْمَؤُا فِيهَا وَ لَا تَصْحَى» (طه: ۴۰، ۱۱۷-۱۱۹).

بنابراین، مراد از «ظلم»، ظلم به نفس و درد، رنج و مشقت ناشی از گرسنگی، تشنگی، برهنگی و گرم‌زدگی است. همه این موارد ظلم به نفس است، نه معصیت و ظلم به خداوند عالم. پس مراد از ظلمی که در این آیه به آن اشاره شده، ظلم و ستم بر نفس است؛ زیرا خوردن از آن درخت، موجب شد که آنان دیگر نتوانند به زندگی راحت خود در بهشت ادامه دهند و متحمل مشقت و سختی زیادی شوند. از این رو، آنان بر خود ستم کردند و خود را از این نعمت آرام و بی‌دغدغه محروم ساختند و از ثواب آن بی‌بهره شدند (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۳۶).

صدرالمتألهین، مراد از ظلم را ظلم به نفس، از قبیل وقوع در هلاکت و مرگ، مشقت و محنت گرفته است (صدرالمتألهین، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۹۳). طبرسی، این قول را در ذیل آیه بیان می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۶۲۹). آیت‌الله جوادی آملی، در این زمینه می‌گوید:

ظلم در نشئه تکلیف محرم و متناسب با همان نشئه است و کفر تشریحی دارد چنان‌که ظلم در منقطع‌ای که هنوز شریعت نیست، درخواست مغفرت و اعتراف به خسران و زیانکار بودن در آن حوزه، متناسب با همان نشئه است. نشئه بهشت حضرت آدم علیه السلام قلمرو تشریح نبود. از این رو، ظلم مورد اعتراف آدم و حوا علیهم السلام نیز مربوط به شریعت مصطلح نبود؛ زیرا شریعت پس از آن حادثه و هبوط ظهور پیدا کرد است در آن مرحله، هر نقص و گناهی که یاد شود و هر اقراری که صورت گیرد، متناسب با همان نشئه و عالم است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۲۸، ص ۲۹۶-۲۹۷).

توجه به این نکته ضروری است که ظلم در هر قسمی از آن، ظلم در حق خداوند، ظلم در حق دیگران و ظلم در حق خود، می‌تواند با مقام عصمت منافات داشته باشد. ولی با وجود جمله «فتشقی» و معنا و مفهوم ارائه شده از آن، این ناسازگاری را منتفی می‌سازد؛ زیرا مراد از ظلم در داستان عصیان حضرت آدم علیه السلام به معنای به رنج و مشقت انداختن خود و بی‌بهره ساختن خود از نعمت‌های راحت و آسان بهشت است. از این رو، با این دیدگاه؛ یعنی - ظلم به نفس به خاطر رنج و مشقت ناشی از گرسنگی، تشنگی، برهنگی و گرم‌زدگی - ظلم هیچ منافاتی با مقام عصمت نخواهد داشت تا درصد توجیه آن باشیم. گرچه برخی مفسران در تفسیر ظلم به نفس، آن را ترک مستحب (طبرسی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۶۲۹)، گناه صغیره (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۹۶)، معصیت (سیوطی، ۱۴۱۶، ص ۱۵۶؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۲۲۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۴۲؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۹)، ذنب عظیم (فخررازی، ۱۴۰۶، ج ۱۴، ص ۲۲۱) تفسیر کرده، و اقدام به توجیه آن کرده‌اند.

رابطه بین رنج و مشقت و عصیان

عصیان حضرت آدم علیه السلام دارای دو نوع پیامد بود. یک نوع پیامد، بی‌واسطه مانند اخراج از بهشت و نوع دوم، پیامد با واسطه مانند رنج و مشقت. حضرت آدم و حوا پس از خوردن درخت ممنوعه، از بهشت اخراج و به زمین فرستاده

شدند. از این رو، قرآن کریم رنج و مشقت را پیامد اخراج از بهشت، که خود پیامد عصیان است، معرفی می‌کند: «فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَ لِرِزْوَجِكَ فَلا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى» (طه: ۱۱۷).

آدم و حوا پس از اخراج از بهشت و استقرار در زمین، از نعمت‌ها و آسایشی که خداوند در بهشت برای آنان در نظر گرفته بود، جدا شدند و در زمین دچار زندگی زمینی، که همراه با گرما، سرما، تشنگی و گرسنگی شدند که لازمهٔ رفع آن، رنج و مشقت و سختی است.

در تورات

کتاب مقدس، از دو بخش عهد عتیق و عهد جدید تشکیل شده است. عهد عتیق دارای ۳۹ کتاب است که تنها اسفار پنج‌گانه، تورات نامیده می‌شود. اما گاهی به همه عهد عتیق نیز تورات گفته شده است. یکی از پیامدهای خطای آدم و حوا در بهشت، که در تورات به آن پرداخته شده، رنج و مشقت است. آدم و حوا، به عنوان اولین نوع بشر در باغ عدن با رفاه و آرامش زندگی می‌کردند، ولی با ارتکاب گناه از آنجا و نعمت‌های فراوان آن اخراج و در زمین ساکن شدند. ویژگی مهم این حیات، رنج و مکافات و مشقت بود. تورات در این زمینه می‌گوید:

و به آدم گفت: چونکه سخن زوجه ات را شنیدی و از آن درخت خوردی که امر فرموده، گفتم از آن نخوری، پس به سبب تو زمین ملعون شد و تمام ایام عمرت از آن با رنج خواهی خورد. خار و خس نیز برایت خواهد رویانید و سبزه‌های صحرا را خواهی خورد، و به عرق پیشانی ات نان خواهی خورد تا حینی که به خاک راجع گردی، که از آن گرفته شدی؛ زیرا که تو خاک هستی و به خاک خواهی برگشت (پیدایش ۳: ۱۷-۱۹).

و در تورات به زبان انگلیسی، برگردان از عبری چنین آمده است:

In sorrow shalt thou of it all the days of the life (The holy Bible 3:17)

و در تورات به زبان عربی، در ترجمه «الشرق الاوسط»، که برگردان از کتاب مقدس عبری است، این‌گونه آمده است: «وَقَالَ لآدَمَ لِأَنَّكَ سَمِعْتَ لِقَوْلِ إِمْرَأَتِكَ وَ أَكَلْتَ مِنَ الشَّجَرَةِ... مَلْعُونَةٌ أَرْضُ بَسَبَّيْكَ. بِالتَّعَبِ تَأْكُلُ مِنْهَا أَيَّامَ حَيَاتِكَ... وَ تَأْكُلُ عُشْبَ الْحَقْلِ بِعَرَقٍ وَ جِهَكَ تَأْكُلُ خُبْزاً حَتَّى تَعُودَ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي أُخِذْتَ مِنْهَا» (کتاب مقدس، سفر تکوین ۳: ۱۷).

۱. مفهوم‌شناسی

رنج و مشقت، ناشی از عصیان و اخراج از بهشت در تورات، به زبان عبری از آن به «בצלות» یاد شده است و در ترجمه عربی «الشرق الاوسط» به «التعب» (کتاب مقدس، سفر تکوین ۳: ۱۷) و در ترجمه «العالم الجديد»، به «المَشَقَّة» (کتاب مقدس، سفر تکوین ۳: ۱۷)، به معنای رنج و مشقت و تلاش زیاد و در مقابل راحتی است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۳۱؛ ج ۱۰، ص ۱۸۳). در تورات زبان انگلیسی «Sorrow»، به معنای غم، اندوه، تاسف و غصه است. در برخی از ترجمه‌ها، از آن به «toil» یاد می‌کنند که معنا مشترک در همه موارد رنج، مشقت و سختی خواهد بود، به‌ویژه اینکه با عبارت «shalt thou eat»، با تأکید بیشتری بیان شده است.

مراد از رنج و مشقت در تورات

از فقرات باب دوم و سوم سفر پیدایش، برمی آید که آدم و حوا، تا پس از خوردن از درخت ممنوعه، دارای زندگانی بی‌زحمت و راحت بودند. ولی با ارتکاب گناه، این زندگانی راحت را از دست دادند. تورات خصوصیت بارز محل سکونت پس از اخراج را زندگی همراه با سختی و مشقت می‌داند. آدم برخلاف سابق، باید با کار و تلاش و عرق جبینش امرار معاش کند. این حالت تا پایان عمر وی ادامه داشت. در کتاب *السنن القویم فی تفسیر العهد القدیم*، در تفسیر فقرات ۱۷ تا ۱۹ آمده است:

از این به بعد عالم بر او سیادت می‌کند، همان‌طور که تا به حال او سیادت می‌کرد، به‌گونه‌ای که زمین برای او بهترین و نافع‌ترین محصول را بدون کشاورزی و زراعت به وجود می‌آورد؛ از آن به بعد می‌بایست با زحمت و رنج و مشقت تحصیل کند (السنن القویم فی تفسیر الاسفار العهد القدیم، ۱۹۷۳، ج ۱، ص ۵۸).

برخی هم این رنج و مشقت را به‌تنهایی بدون فرزند و اولاد و هم نوع، غیر از حوا، در زمین و بی‌بهره شدن از نعمت‌هایی که در سابق از آن بهره می‌برد، تفسیر کردند (التفسیر التطبیقی للکتاب المقدس، بی‌تا، ص ۱۵).

در تورات، بحث از لعنت و ملعون شدن زمین، به میان آمده است و علت آن را آدم و عمل او معرفی کرده است: «پس به سبب تو زمین ملعون شد» و در ترجمه عربی، با عبارت «مَلْعُونَةُ الْأَرْضِ بِسَبَبِكَ» و در ترجمه انگلیسی با عبارت «for thy sake» ملعون شدن را به آدم ﷺ نسبت می‌دهد. آدم به سبب عصیان و گناه از بهشت اخراج شد و در نقطه‌ای از زمین استقرار یافت. تورات این حضور را، که مستلزم کار و تلاش و مشقت است، موجب لعنت زمین می‌داند. اما در اینکه آیا کار و تلاش و عرق ریختن، به خودی خود، لعنت است، یا خیر؟ ویلیام مک‌دونالد، در تفسیر رنج و مشقت می‌گوید:

مرد محکوم شد تا از زمین که با خار و خس لعنت شده روزی خود را به دست آورد و این به‌منزله زحمت و عرق برای او بود و باید توجه داشت که این کار به خودی خود، لعنت نیست، بلکه بیشتر یک برکت است. ولی این غم، رنج، ناآرامی، مشقت و خستگی که همراه با کار بر انسان عارض می‌شود، لعنت است (مک‌دونالد، ۱۹۹۵، ص ۱۱).

۳. مخاطب رنج و مشقت در تورات

مخاطب در فقره ۱۷، باب سوم سفر پیدایش، آدم ﷺ است که با آوردن نام «آدم»، حضرت آدم ﷺ را مورد خطاب قرار داده است. عبارت تورات به‌گونه‌ای است که حوا اصلاً مورد خطاب نیست. از این‌رو، در تورات مخاطب این مجازات، شخص آدم است و دلیلش را عمل کردن به درخواست همسرش بیان می‌کند: «و به آدم گفت: چونکه سخن زوجه ات را شنیدی و از آن درخت خوردی که امر فرموده، گفتم از آن نخوری، پس به سبب تو زمین ملعون شد و تمام ایام عمرت از آن با رنج خواهی خورد».

در جایی دیگر، اخراج از بهشت و کار در زمین را به آدم نسبت می‌دهد:

پس خداوند خدا او (آدم) را از باغ عدن بیرون کرد تا کار زمینی را که از آن گرفته شده بود، بکند. پس آدم را بیرون کرد و به طرف شرقی باغ عدن، کروبیان را مسکن داد و شمشیر آتشی را که به هر سو گردش می‌کرد تا طریق درخت حیات را محافظت کند (پیدایش ۳: ۲۳-۲۴).

اما دیدگاه دیگری در این مسئله مطرح است و آن اینکه، زآنجاکه تهیه معاش بر عهده مرد است، خداوند این مجازات را مختص به آدم قرار داده است. این بدان معنا نیست که همسر آدم ﷺ در زنج و مشقت و سختی نخواهد بود. از این رو، برخی بزرگان در تفسیر این فقرات، رنج و مشقت را به هر دو نسبت می‌دهند. آر. سی. هووآرد در این زمینه می‌گوید: «زنان و مردان محکوم به رنج بردن و کار سخت شدند» (آر. سی. هووآرد، ۲۰۰۶، ص ۴۰). از این رو، برخی مفسران تورات، این پیامد را فقط به مرد، نه به آدم ﷺ، نسبت می‌دهند (مک دونالد، ۱۹۹۵، ص ۱۱).

۴. رابطه بین رنج و مشقت و خوردن از درخت ممنوعه

تورات دلیل رنج و مشقت و کار و زحمت را حرف شنوی آدم ﷺ از همسر خود و خوردن از درخت ممنوعه بیان می‌کند: «و به آدم گفت: چونکه سخن زوجهات را شنیدی و از آن درخت خوردی که امر فرموده، گفتم از آن نخوری، پس به سبب تو زمین ملعون شد و تمام ایام عمرت از آن با رنج خواهی خورد» (پیدایش ۳: ۱۷). اگرچه ثمره گوش دادن به سخنان هوا، چیزی جز خوردن از درخت ممنوعه نیست، ولی تأکید تورات با این عبارت: «چون که سخن زوجهات را شنیدی»، به نوعی ذمّ نسبت به زن و حرف شنوی از او محسوب می‌شود. پس تورات رنج و مشقت و کار و عرق جبین را پیامد بدون واسطه حرف شنوی از هوا و خوردن از درخت ممنوعه می‌داند.

بررسی و مقایسه

عصیان حضرت آدم ﷺ یکی از داستان‌هایی است که در قرآن کریم و تورات به آن اشاره شده، و هریک به جهاتی به آن پرداخته‌اند. در این میان، رنج و مشقت از جمله پیامدهایی است که حضرت آدم و هوا بعد از عصیان، خوردن از درخت ممنوعه، به آن دچار شدند و در آیات ۱۱۷، ۱۱۸ و ۱۱۹ سوره مبارکه «طه» و در فقرات ۱۷، ۱۸ و ۱۹، باب سوم «سفر پیدایش» به آن اشاره شده است. از این رو، قرآن کریم و تورات در این مسئله اشتراکات و اختلافات و امتیازاتی دارند که در اینجا به آن می‌پردازیم.

مفهوم رنج و مشقت

قرآن کریم از این پیامد، با عبارات «فتشقی» و در تورات به زبان عبری، از آن به «בצלות» و در ترجمه عربی، به «التَّعَبُ وَ الْمَشَقَّةُ» و در ترجمه انگلیسی، به «Sorrow» که وجه مشترک بین همه آنها، رنج و مشقت و کار و تلاش و سختی است، یاد می‌شود. از این رو، با وجود اختلاف در تعبیر و لفظ، در معنی مشترک هستند. در دو منبع، درصد رساندن معنایی مشترک، که همان رنج و مشقت و کار و تلاش است، هستند. این امر بیانگر مطلبی است که آیه شریفه «نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَ أَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ» (آل عمران: ۳) درصد بیان این است. همان گونه که علامه طباطبائی، در تفسیر آیه شریفه می‌نویسد: «فالقرآن يصدق التوراة و الإنجيل الموجودين، لكن في الجملة لا بالجملة» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۸).

۲.۲. مراد از رنج و مشقت

«تشقی» دو معنا دارد: یکی، شقاوت در مقابل سعادت. دیگری، رنج و تعب و مشقت است، از این رو، مفسران «فتشقی» در آیه ۱۱۷ را با توجه به قراین موجود در آن، به معنای دوم گرفتند. اما برای اینکه به معنای درستی از واژه «فتشقی» دست یابیم، لازم است به آیات ۱۱۸ و ۱۱۹ از همین سوره توجه شود: «إِنَّ لَكَ أَلًا تَجْوَعُ فِيهَا وَ لَا تَعْرِى. وَ أَنْكَ لَا تَطْمَؤُا فِيهَا وَ لَا تَضْحَى». با توجه به کیفیت زندگی آدم و حوا در بهشت، کیفیت زندگی آنان در زمین، که همراه با رنج و مشقت خواهد بود، مشخص می‌شود.

از سوی دیگر، از فقرات باب دوم و سوم سفر پیدایش هم برمی‌آید که آدم و حوا تا قبل از خوردن از درخت ممنوعه، دارای زندگانی بی‌زحمت و راحت بودند، ولی با ارتکاب گناه، این زندگانی راحت و سیادت بر عالم را از دست دادند. آدم برخلاف سابق، باید با کار و عرق جبینش امرار معاش کند و از آن به بعد، عالم بر او سیادت خواهد کرد (السنن القویم فی تفسیر الاسفار العهد القدیم، ۱۹۷۳، ج ۱، ص ۵۸).

تورات هم در فقرات بعد به توضیح رنج و مشقت می‌پردازد: و تمام ایام عمرت از آن با رنج خواهی خورد. خار و خس نیز برایت خواهد رویانید و سبزه‌های صحرا را خواهی خورد، و به عرق پیشانی‌ات نان خواهی خورد تا حینی که به خاک راجع گردی، که از آن گرفته شدی، زیرا که تو خاک هستی و به خاک خواهی برگشت (پیدایش ۳: ۱۷-۱۹).

با این تفاوت که قرآن کریم، در تفسیر رنج و مشقت، به توصیف بهشت به عنوان محل سکونت اولیه آدم و حوا می‌پردازد و می‌فرماید: «إِنَّ لَكَ أَلًا تَجْوَعُ فِيهَا وَ لَا تَعْرِى. وَ أَنْكَ لَا تَطْمَؤُا فِيهَا وَ لَا تَضْحَى»؛ یعنی بهشتی که در آن سکونت داری، جایی است که که در آنجا گرسنه نشوی و برهنه نمایی و در آنجا تشنه نشوی و آفتاب‌زده نگردی، ولی تورات با عبارت «خار و خس نیز برایت خواهد رویانید و سبزه‌های صحرا را خواهی خورد، و به عرق پیشانی‌ات نان خواهی خورد تا حینی که به خاک راجع گردی، که از آن گرفته شدی؛ زیرا که تو خاک هستی و به خاک خواهی برگشت» (پیدایش ۳: ۱۷-۱۹)، به تفسیر رنج و مشقت پرداخته است.

۳. مخاطب رنج و مشقت

از ظاهر قرآن کریم چنین استفاده می‌شود که مخاطب رنج و مشقت، فقط حضرت آدم علیه السلام است. خداوند برخلاف «فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا» در جمله «فتشقی» خطاب را از تشبیه به مفرد برمی‌گرداند. مفسران قرآن کریم، برای این تغییر رویه، دلایلی را بیان می‌کنند (طنطاوی، بی‌تا، ج ۹، ص ۱۶۰؛ سوراآبادی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۱۵۳۹؛ قرطبی، ۱۳۶۰، ج ۱۱، ص ۲۵۳). اما توصیف خداوند از محل زندگی اولیه آدم و حوا و اخراج هر دو از آن، بیانگر این مطلب است که از بعد خروج و هبوط، حوا هم مانند آدم علیه السلام از این نعمت‌ها بهره‌ای نخواهد داشت. پس حوا با توجه به اینکه رنج و مشقت بیشتر برای آدم علیه السلام است، داخل در خطاب «فتشقی» است که به دلیل همین مسئله، خطاب از تشبیه به مفرد برگشته است. اما مخاطب در تورات، فقره ۱۷ باب سوم سفر پیدایش، آدم علیه السلام است و دلیلش را عمل کردن به درخواست همسرش بیان می‌کند. ولی در میان مفسران تورات، دو دیدگاه وجود دارد: عده‌ای مخاطب فقره ۱۷ را فقط آدم و عده‌ای حوا را هم شریک می‌دانند (مک‌دونالد، ۱۹۹۵، ص ۱۱؛ آر. سی. هووارد، ۲۰۰۶، ص ۴۰).

ولی تفاوت تعبیر در این است که قرآن کریم، «تثقی» را فرع بر اخراج کرده که لازمه اخراج و هبوط به زمین و رفع احتیاجات در آن، کار، تلاش، رنج و مشقت خواهد بود. اما تورات با برگرداندن روی سخن از حوا به آدم ﷺ درصد توییح و بیان مجازات ایشان است که یکی از مجازات‌های او، کار و رنج و مشقت خواهد بود.

۴. رابطه میان رنج و مشقت و خوردن از درخت ممنوعه

قرآن کریم هم به پیامد بی‌واسطه عصیان «اکل از شجره ممنوعه» اشاره می‌کند و هم به پیامد با واسطه. رنج و مشقت در آن، از پیامدهای اخراج، که خود پیامد عصیان است، معرفی شده است: «فَلَا يُخْرِجُكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى» (طه: ۱۱۷).

ولی تورات، رنج و مشقت را ناشی از حرف‌شنوی آدم ﷺ از همسر و خوردن از درخت ممنوعه می‌داند. رنج و مشقت و عرق جبین را پیامد بدون واسطه حرف‌شنوی از حوا و خوردن از درخت ممنوعه معرفی می‌کند. پس، قرآن کریم زندگی با رنج و مشقت را لازمه اخراج از بهشت و هبوط به زمین می‌داند که آن هم لازمه خوردن از شجره منهیه است. ولی عهد عتیق، دلیل آن را حرف‌شنوی و پیروی از زن، که لازمه آن خوردن از درخت ممنوعه است، بیان می‌کند. از این رو، تفاوت قرآن کریم و تورات، در دلیل رنج و مشقت است که قرآن، آن دلیل را اخراج از بهشت و هبوط به زمین معرفی می‌کند. ولی تورات، دلیل رنج و مشقت را حرف‌شنوی از زن و خوردن از درخت ممنوعه می‌داند. در حالی که در قرآن کریم، سخنی از حرف‌شنوی از زن به میان نیامده است.

نتیجه‌گیری

رنج و مشقت، از جمله پیامدهای عصیان حضرت آدم ﷺ است که در قرآن کریم و تورات به آن اشاره شده و دارای اشتراکات و اختلافاتی هستند که با مقایسه تعابیر قرآن کریم و تورات، به امتیازاتی که قرآن کریم نسبت به آن دارد، مشخص می‌شود. از مهم‌ترین امتیازات قرآن کریم، نسبت به تورات، به‌کارگیری دقیق واژگان و استفاده از الفاظ پرمعنا و ارتباط میان مباحث مرتبط است. همانند ارتباطی که میان «فتشقی» و «فتکونا من الظالمین» مطرح شده که مفسر و برطرف‌کننده، یکی از اشکالات در زمینه عصمت انبیاء است.

یکی دیگر از فواید بررسی اشتراکات میان قرآن و عهدین، این است که تصدیق شدن تورات و انجیل توسط قرآن کریم «مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ» معنادار می‌شود. قرآن، تورات و انجیل فعلی را به تعبیر علامه طباطبائی، تصدیق فی‌الجمله کرده است، این موارد اشتراک، شاهدهی است بر درستی تصدیق قرآن نسبت به عهدین.

منابع

- کتاب مقدس، بی تا، ترجمه دکتر رابرت بروس، بی جا، انتشارات ایلام.
- الوسی سیدمحمود، ۱۴۱۵ق، *روح المعانی*، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن منظور محمدبن مکر، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، چ سوم بیروت، دار صادر.
- ار. سی. هوآرد، ۲۰۰۶، *خیمه‌ها، معابد و قصرها*، ترجمه افشین لطیف‌زاده، انگلستان، انتشارات ایلام.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ق، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، تحقیق محمدعبدالرحمن مرعشی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمدبن ابراهیم، ۱۴۲۲ق، *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، *تفسیر تسنیم*، چ سوم، قم، اسراء.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۶ق، *معجم المفردات فی الفاظ القرآن*، بیروت، دارالعلم.
- زمخشری محمودبن عمر، ۱۴۰۷ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، چ سوم، بیروت، دار الکتاب العربی.
- سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد، ۱۳۸۰، *تفسیر سورآبادی*، تهران، فرهنگ نشر نو.
- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۱۶ق، *تفسیر الجلالین*، بیروت، مؤسسه النور للمطبوعات.
- السنن التوفیق فی تفسیر العهد القدیم (مبنی علی آراء افاضل الالهوتین)*، ۱۹۷۳م، مجمع الكنائس فی الشرق الادنی، بیروت.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی، ۱۳۷۳، *تفسیر شریف لاهیجی*، تحقیق میرجلال‌الدین حسینی ارموی، تهران، داد.
- صدرالمطالین، ۱۳۶۶، *تفسیر القرآن الکریم*، تحقیق محمد خواجوی، چ دوم، قم، بیدار.
- صافی، محمودبن عبدالرحیم، ۱۴۱۸ق، *الجدول فی اعراب القرآن*، بیروت، دارالرشید.
- طنطاوی، سیدمحمد، بی تا، *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*، بی جا، بی تا.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۶، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چ سوم، تهران، ناصر خسرو.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، تحقیق سیداحمد حسینی، چ سوم، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- فخررازی، محمدبن عمر، ۱۴۰۶ق، *مفاتیح الغیب*، چ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- قرطبی، محمدبن احمد، ۱۳۶۰، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- الکتاب المقدس (وقد ترجم من اللغات الاصلیه)*، دارالکتاب المقدس فی الشرق الاوسط.
- (Watch tower bible and tract society of new York inc brooklyn new York” U.S.A 2004)
- مصطفوی حسن، ۱۳۴۰، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مک‌دونالد، ویلیام، ۱۹۹۵، *تفسیر کتاب مقدس برای ایمانداران*، "Nashville, Thomas Nelson publishers".
- لجنة التحرير، بی تا، *التفسیر التطبیقی للکتاب المقدس*، قاهره، دارالکتاب المقدس.
- نیشابوری، نظام‌الدین حسن بن محمد، ۱۴۱۶ق، *تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، تحقیق زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- The Holy Bible authorized version or king james version.